

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تحقیقات کیفی

تحليل محتوا

# CONTENT ANALYSIS

دکتر علیرضا جعفری

عضو هیات علمی گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

دانشگاه علوم پزشکی گناباد

- **تحلیل محتوا به منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد.**
- شاخص های گوناگون علوم اجتماعی همچون ارتباطات، جامعه شناسی، علوم سیاسی و روانشناسی آن را در پژوهشهای خود به کار گرفته اند.
- **این روند به ویژه در طول جنگ جهانی دوم در دهه ۱۹۴۰ رواج بیشتری یافت. در ابتدا این روش را برای تحلیل تبلیغات و سپس برای اهداف اطلاعاتی و نظامی به کار گرفتند.**
- در این زمان دو گروه برجسته به تحلیل تبلیغات اختصاص یافت:

**(۱) کارگروه کتابخانه کنگره آمریکا:** در این کارگروه، به موضوعات نمونه گیری، مسائل سنجش پایایی و اعتبار مقوله های محتوای ارتباطات پرداختند.

**(۲) کارگروه اسپایر (وابسته به دولت آمریکا):** در این گروه به سخن پراکنی های داخلی دشمن می پرداختند تا رویدادهای آلمان نازی و متحدانش را شناسایی و پیش بینی و اثر عملیات نظامی بر روحیه جنگ را برآورد کنند.

- تحلیل محتوای کیفی، بر مشخصات زبان به منزلهٔ وسیلهٔ ارتباطی برای به دست آوردن معنا و محتوای متن تمرکز دارد.

– **داده های متن** ممکن است به صورت شفاهی، چاپی یا الکترونیکی و همچنین حاصل پاسخهای شفاهی، پرسشهای پیمایشی باز یا بسته، مصاحبه ها، گروههای متمرکز، مشاهدات یا رسانه های چاپی مانند مقالات و کتابها باشند.

# تعریف تحلیل محتوا

- کریپندورف (Krippendorff) تحلیل محتوا را اینگونه تعریف می کند
- تکنیکی پژوهشی برای استنباط (Inference)، تکرارپذیر (Replicable) و اعتبار (Valid) داده ها در مورد متن
- برلسون (Berleson) از پیشگامان تحلیل محتوا- این تکنیک را «پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام» معرفی می کند
- جمع بندی:
  - تحلیل محتوا را می توان بطور خلاصه تحلیل نظام مند، عینی و کمی ویژگی های پیام دانست

# مزایا و نقاط قوت تحلیل محتوا

1. **ملاحظه مستقیم ارتباط با استفاده از متون یا نوارهای ضبط شده**
2. تحلیل روابط متقابل و تعاملات اجتماعی
3. **امکان انجام روشهای تحلیل به صورت کمی و کیفی**
4. فراهم آوردن چشم اندازهای تاریخی / فرهنگی از طریق تحلیل متون
5. **درک الگوهای پیچیده فکری و زبانی انسانی**
6. مقایسه همزمان محتوای رسانه های گوناگون در نقاط مختلف برای بحث درباره تغییرات اجتماعی
7. **تفسیر و تحلیل متون برای رسیدن به محتوای متن**
8. استخراج اطلاعات و معانی پنهان درباره پدیده های اجتماعی کلان

## نقاط ضعف تحلیل محتوا

✓ تحلیل محتوا به تنهایی نمی تواند مبنای اظهار نظر درباره تأثیر محتوا بر مخاطبان باشد.

✓ تحلیل محتوا به چارچوب مقوله ها و تعاریف به کار رفته در تحلیل محدود می شود.

✓ پژوهشگران ممکن است تعاریف گوناگونی را برای سنجش یک مفهوم واحد به کار گیرند و پژوهشگرانی که از ابزارهای سنجش متفاوت استفاده می کنند، به طور طبیعی به نتایج متفاوتی می رسند.



## نقاط ضعف تحلیل محتوا

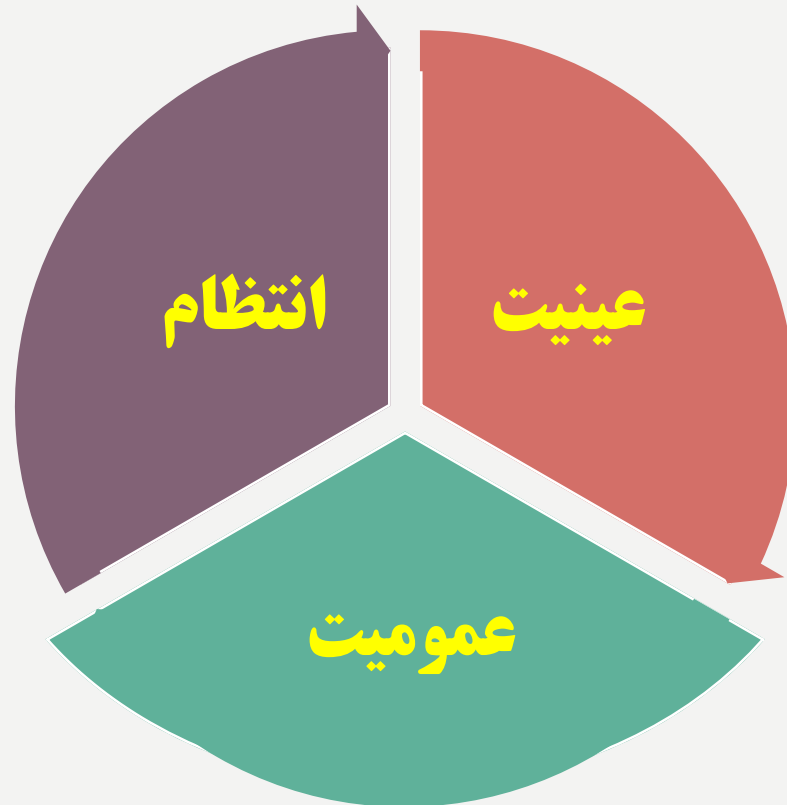
✓ تحلیل محتوا اغلب وقت گیر و پرهزینه است.

✓ در معرض افزایش خطا قرار دارد، بویژه در تحلیل روابطی که برای دستیابی به سطوح بالاتری از تفسیر تلاش می شود.

✓ در تحلیل های کمی تمایل فراوانی به شمارش و به دست آوردن فراوانی ها وجود دارد. تحلیل کمی اغلب به زمینه هایی که باعث فراهم آوردن متن می شود، بی توجه است.

# ویژگیها و شروط تحلیل محتوا

- هولستی سه شرط عینیت، انتظام (سیستماتیک بودن) و عمومیت (generality) را برای تحلیل محتوا اساسی دانسته است



# ویژگیها و شروط تحلیل محتوا: عینیت

- عینیت تصریح می کند که فرآیند پژوهش باید بر اساس قواعد، احکام و روش های مشخص انجام گیرد.
- ویژگی استفاده از قواعد و قوانین، دقیق و روشن است؛ به گونه ای که اگر محققان دیگر، همان محتوا را با همان روش، دوباره تحلیل کنند، نتایجی همسان به دست می آورند. بنابراین نتایج باید مستقل از تحلیلگرها باشند و با تکرار مجدد، همان نتایج به دست آیند؛
- این که چه مقوله هایی باید بکار گرفته شود. مقوله الف چطور باید به مقوله ب تغییر داده شود؟
- و این که برای تصمیم گیری در مورد این که یک واحد تحلیل محتوا (کل موضوع، داستان و نظایر آن) بیشتر در کدام مقوله قرار گیرد، چه معیارهایی را باید بکار گرفت؟

# ویژگیها و شروط تحلیل محتوا: عینیت

- این شرط اشاره به آن دارد که این تصمیم ها یا تصمیم های دیگر توسط مجموعه صریحی از قواعد هدایت می شوند،
- بطوری که این احتمال که یافته های تحقیق بیش از آن که محتوای اسناد تحلیل شده را منعکس کنند، تمایلات ذهنی تحلیل گر را منعکس می سازند را به حداقل می رسانند ( اگر چه احتمالاً تمایلات مذکور هرگز از بین نمی روند).
- پژوهشگری که نتواند روش ها و معیارهای انتخاب اطلاعاتش را برای تعیین مناسب و نامناسب بودن اطلاعات و تفسیر یافته ها به دیگر پژوهشگران انتقال دهد، در برآوردن شرط عینیت ناکام خواهد ماند.

# ویژگیها و شروط تحلیل محتوا: شرط انتظام یا سیستماتیک بودن

- شرط انتظام، (قواعد و مقوله ها)
- هنگامی تحقق می یابد که دایره شمول و طرح محتوا یا مقوله ها بر طبق قواعد کاربردی ثابتی مشخص گردد.
- پس این شرط آشکارا تحلیل‌هایی را که فقط به دنبال جمع آوری تائید کننده های فرضیه های پژوهشگر میباشد را طرد می کند.
- همچنین به طور ضمنی بیان می‌دارد که مقوله ها را باید به شکلی تعریف کرد که بر طبق قواعد کاربردی ثابت قابل استفاده باشند،
- به بیانی دیگر، مقوله ها باید با قوانین عمومی و معین ساخت مقوله، مطابقت داشته باشند.

# ویژگیها و شروط تحلیل محتوا: شرط عمومیت داشتن

## شرط عمومیت داشتن

- زمانی معنای یابد که یافته ها با هم ارتباط نظری داشته باشند.
- اطلاعات توصیفی صرف درباره محتوا، بدون ارتباط با دیگر ویژگی های اسناد یا خصوصیات فرستنده و گیرنده پیام، ارزش چندانی ندارد.

## • چنین نتایجی هنگامی معنادار است که با موارد زیر مقایسه شود:

1. ویژگی های دیگر همان اسناد،
2. اسناد حاصل از منابع دیگر،
3. خصوصیات اشخاصی که این اسناد را به وجود آورده اند،
4. شرایط اجتماعی جامعه ای که صاحب سند در آن زندگی می کرد،
5. مخاطبانی که این اسناد به منظور استفاده آنها تهیه شده است؛

# مراحل تحلیل محتوای کمی و کیفی

- بر اساس نظر کریپندورف ( ۲۰۰۴ )، در هر تحلیل محتوا (کمی، کیفی) باید به شش پرسش زیر توجه شود:

1. چه داده هایی باید تحلیل شوند؟
2. داده ها چگونه تعریف می شوند؟
3. جمعیتی که داده ها از آنها گرفته شده است، کدامند؟
4. ارتباط متن با داده های تحلیل چیست؟
5. محدودیت های تحلیل کدام است؟
6. نتایج تحلیل چیست؟

# انواع تحلیل محتوا

- در یکی از جدی ترین تقسیم های تحلیل محتوا، دو گونه کمی و کیفی ذکر می شود.

## ❖ روش تحلیل کمی:

- از شمارش واحدهای محتوایی استفاده می شود و تلاش می گردد تا ویژگی های خاصی در متن اندازه گیری شود.

## ❖ روش کیفی تحلیل محتوا:

- که گاهی استنباط نتایج بر اساس بودن یا نبودن ویژگی هایی که در پیام تعریف شده است،
- غالباً برای اجرای بهتر مسایل در علوم اجتماعی - کاربردی مورد توجه قرار گرفته است.
- موضوع تحلیل محتوای کیفی می تواند تمامی انواع ارتباط ثبت شده در دست نوشته ها، مصاحبه ها، گفتمان ها، مشاهدات، نوارهای ویدئو، مستندات و... باشد.



# تحلیل محتوای کمی

- این روش همانگونه که **برلسون** بیان کرده است، فن پژوهشی برای توصیف عینی، نظام مند و کمی محتوای مطلب است.
- **کرلینجر** نیز آن را شیوه نظام مند، عینی و کمی برای اندازه گیری متغیرها (شاخص تحقیقات کمی) و تجزیه و تحلیل آنها معرفی کرده است.
- بر این اساس، تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی **عینی بودن**، **منظم بودن**، **آشکار بودن** و **کمی بودن** به شرح ذیل برخوردار باشد:

# تحلیل محتوای کمی

## ۱. عینی بودن:

- ویژگی استفاده از قواعد و قوانین، دقیق و روشن است؛ به گونه ای که اگر محققان دیگر، همان محتوا را با همان روش، دوباره تحلیل کنند، نتایجی همسان به دست می آورند. بنابراین نتایج باید مستقل از تحلیلگرها باشند و با تکرار مجدد، همان نتایج به دست آیند؛

## ۲. نظام مند بودن:

این ویژگی بیان کننده این موضوع است که همه عناصر موجود در محتوا باید بر اساس واحد و مقوله هایی که برای بررسی در نظر گرفته شده اند، تحلیل شوند و محقق نباید عناصری را از محتوا به دلخواه کنار بگذارد یا تنها برخی از عناصر را تحلیل کند؛

# تحلیل محتوای کمی

## ۳. آشکار بودن:

- در اینجا باید به متن یا پیام آشکار و روشن، توجه و از هر گونه استنباط شخصی و پیش داوری های فردی تحلیلگر جلوگیری شود؛

## ۴. کمی بودن:

- این ویژگی، تحلیل محتوا را از یک مطالعه معمولی جدا می سازد.
- بر پایه این ویژگی، تحلیلگر باید روشن کند چه کلمات، مضامین و نمادهایی بیش از همه و به چه تعداد در متن تکرار شده اند.
- افزون بر تحلیل مقداری، می توان از تحلیل همبستگی استفاده کرد. این نوع تحلیل مشخص می کند که ارتباط مفاهیم و عناصر چگونه است و چه عواملی آنها را به هم پیوند می دهند.

# مراحل تحلیل محتوای کمی

❖ تحلیل محتوای کمی شامل مراحل متعددی است که عبارتند از:

۱. **فرضیه سازی:** در تحلیل محتوای کمی پژوهشگر باید اطمینان یابد که فرضیه روشنی برای تحلیل محتوا تدوین کرده است. این فرضیه می تواند ناشی از مطالعات و تحقیقات پیشین یا ادبیات تحقیق باشد.

۱. **مرور متون و منابع:** در این نوع تحلیل، پژوهشگر کار را با مرور گسترده منابعی که در ارتباط با موضوع مدنظر اوست، شروع میکند. مرور منابع، موجب انجام درست و روشن تحقیق و فراهم آمدن زمینه های بیشتر برای بحث میشود.

با مرور منابع، علاوه بر پالایش عنوان تحقیق، میتوان فهمید آیا تاکنون مطالعه برنامه ریزی شده ای در آن زمینه انجام شده و نتایج معنی داری به دست آمده است یا خیر.

همچنین میتوان مشخص کرد، چرا موضوع مورد بررسی نیاز به تحقیق دارد. ضمن آنکه مرور منابع، در چگونگی مطالعه موضوع به پژوهشگر کمک می کند.

# مراحل تحلیل محتوای کمی

3. **تعریف موضوع:** پژوهشگر باید مواد مورد بررسی را مدنظر قرار دهد و درباره این مسئله فکر کند که موضوع انتخابی چگونه به آزمون فرضیه کمک میکند و چه متونی و به چه علت باید مورد توجه و بررسی قرار گیرند.
4. **تعریف مقوله ها:** مقولات مورد بررسی باید تعیین و سپس تعریف شوند.
5. **تهیه شیوه نامه کدگذاری:** باید شیوه نامه ای تهیه و طراحی شود و مقولات به نحوی در آن گنجانده شوند که حاکی از درک کامل متن باشد.
6. **کدگذاری مقولات:** مقولات مورد نظر، باید طی یک اجرای مقدماتی کدگذاری شوند. از کنار گذاشتن یک فرضیه و طرح فرضیه جدیدی متناسب با متن، نباید هراس داشت. ممکن است پژوهشگر طی بررسی اولیه به این نتیجه برسد که باید فرضیه ها و مقولات چندین بار بررسی شوند و نیز گزارش دقیقی از این تغییرات را یادداشت کند.

## مقوله ها

- ✓ موفقیت تحلیل محتوا به داشتن مقوله‌هایی درست و سپس واحدهاست.
- ✓ مقوله‌ها در اصل با فرضیه‌ها در ارتباط‌اند و در مواردی می‌توان گفت همان فرضیه‌ها هستند که در قالب معرف‌ها یا شاخص‌ها ترجمه شده‌اند.
- ✓ وقتی فرضیه‌های مطالعه به روشنی تعریف شدند، آنها را باید در مقوله‌های تجزیه و تحلیل قرار داد.
- ✓ در حقیقت، مقوله‌ها، سرفصل‌ها یا عناوینی هستند که در تحلیل محتوای رسانه‌ها اساس کار قرار می‌گیرند و بر حسب واحدهای مختلف طبقه‌بندی می‌شوند.

## اصولی که باید در تعیین مقوله ها رعایت کرد، عبارت اند از:

- ✓ الف) مرتبط بودن مقوله ها با هدف و مسئله تحقیق: مقوله‌های تعریف شده باید با هدف، مسئله و فرضیه‌های تحقیق مرتبط باشد و بتواند به سؤالات تحقیق پاسخ گوید.
- ✓ ب) جامع و مانع بودن طبقه بندی زیرمقوله ها: یعنی این که زیرمقوله ها، مجموعه محتوای مورد نظر را در بر گیرد. ضمناً باید این نکته را هم در نظر گرفت که علاوه بر زیرمقوله های هر مقوله، منظور کردن یک مورد زیرمقوله "متفرقه" یا "سایر" ضروری می باشد. (مانع بودن یک مقوله بدین معناست که تعریف یک مقوله با تعریف مقوله دیگر یکسان نباشد).
- ✓ ج) انحصاری بودن زیرمقوله‌ها: زیرمقوله‌های هر مقوله باید نسبت به یکدیگر جنبه انحصاری داشته باشند. به دیگر سخن داخل هر زیرمقوله، زیرمقوله دیگری قرار نگیرد و هر یک باید تعریف عملیاتی مربوط به خود را داشته باشند.

## اصولی که باید در تعیین مقوله ها رعایت کرد، عبارت اند از:

✓ د) تهیه تعریف عملیاتی زیرمقوله ها: قبل از انجام کدگذاری نهایی، لازم است با استفاده از تعاریف عملیاتی، پیش تستی (Pre – Test) انجام داد تا از صحت، درستی و جامعیت تعاریف مطمئن شد.

✓ ه) محدود بودن از نظر تعداد: زیرمقوله های هر مقوله باید به تعدادی باشد که توسط پژوهشگر و یا کدگذاران قابل مدیریت باشد. اگر این تعداد زیاد شود کار کدگذاری مشکل خواهد بود. در اکثر تحقیقات معمولاً تعداد زیرمقوله های هر مقوله، بین ۲ تا ۲۰ مورد است.



- **هـ) محدود بودن از نظر تعداد:** زیرمقوله‌های هر مقوله باید به تعدادی باشد که توسط پژوهشگر و یا کدگذاران قابل مدیریت باشد. اگر این تعداد زیاد شود کار کدگذاری مشکل خواهد بود. در اکثر تحقیقات معمولاً تعداد زیرمقوله‌های هر مقوله، بین 2 تا 20 مورد است.

# مراحل تحلیل محتوای کمی

**7. جمع آوری داده ها:** پس از بررسی مجدد مقوله ها ابتدا باید این اطمینان حاصل شود که با توجه به مقولات موجود و برگه کدگذاری، به پرسشهای تحقیق پاسخ داده خواهد شد. پس از کسب این اطمینان، کار جمع آوری داده ها آغاز می شود.

**8. جمع آوری یافته ها و تفسیر داده ها:** تعداد دفعات وقوع یک مقوله را باید یادداشت کرد و پس از گردآوری اطلاعات مورد نیاز مشخص شود، آیا الگوها و ارتباطات به اثبات فرضیه منجر می شود یا خیر. در صورت به اثبات نرسیدن فرضیه، باید علت امر بررسی و به این امر توجه شود که اگر فرضیه ای ثابت نشد دلیل بر اشکال طرح تحقیق نیست، بلکه صحت روش اجرایی در بررسی، مهمتر از نتایجی است که از این مرحله استخراج می شود. در هر حال، در صورت اثبات یا رد فرضیه، لازم است یافته های تحقیق تنظیم و آماده شوند و نشان داده شود که تحلیل محتوا چگونه مراحل مختلف تحقیق را هدایت کرده است.

**9. ارائه پیشنهادها:** با توجه به یافته های تحقیق و نتایج حاصل از بررسی، پژوهشگر به ارزیابی مواد مورد بررسی می پردازد و پیشنهادهایی ارائه می دهد.

# تحلیل محتوای کیفی

- به طور اساسی تقلیل متن به اعداد در تکنیک کمی، به دلیل از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است.
- تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیتهایی می رسد، نمود می یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده های متنی از طریق فرایندهای طبقه بندی نظام مند، کدبندی و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست.
- همچنین یکی از ویژگی های بنیادین پژوهش های کیفی نظریه پردازی به جای آزمون نظریه است.

# تحلیل محتوای کیفی

- تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می دهد اصالت و حقیقت داده ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند.
- **عینیت نتایج** به وسیله وجود یک فرآیند کدبندی نظام مند تضمین میشود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون میرود و تم ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می آزماید.

# مراحل تحلیل محتوای کیفی

برخی از مراحل که در تحلیل محتوای کمی مطرح است، در تحلیل محتوای کیفی نیز باید مدنظر قرار گیرد. اما در بعضی موارد تفاوت‌هایی وجود دارد. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در تحلیل محتوای کیفی فرضیه وجود ندارد، بلکه پیش فرضهای ذهنی پژوهشگر منجر به طرح پرسش‌های تحقیق می‌شود.

# مراحل تحلیل محتوای کیفی

## ۲- تحلیل محتوای کیفی عموماً با مرور گسترده منابع شروع نمی شود.

- علت این امر آن است که اولاً مرور منابع به پژوهشگر اطلاعات و دیدگاه هایی می دهد که می تواند در نحوه کار او، انجام تحقیق و جمع آوری و تحلیل اطلاعات تأثیر داشته باشد.
- ثانیاً ممکن است باعث شود پژوهشگر شرکت کنندگان در تحقیق را به سمتی سوق دهد که طی مرور منابع به آن پی برده است.
- از این رو بهتر است در تحقیقات کیفی، مرور منابع به مرحله بعد از تحلیل داده ها موکول شود.
- زیرا هدف پژوهشگر از انجام آن، ایجاد زمینه ای برای تحقیق فعلی یا استفاده از آن به عنوان چارچوب مفهومی یا تأثیر و رد یافته ها نیست،
- بلکه هدف نشان دادن تناسب بین یافته ها و دانسته های قبلی به خوانندگان تحقیق است.

# مراحل تحلیل محتوای کیفی

□ علاوه بر موارد فوق، مراحل زیر نیز در تحلیل محتوای کیفی مدنظر قرار دارد:

3. **تعریف واحد تحلیل:** بر اساس نظر کریپندورف، پژوهشگر باید واحدهای تحلیل را اعم از کلمه، جمله، پاراگراف، مقاله، خبر و... تعیین کند.

4. **کاهش داده ها:** منظور از این مرحله، حذف متون همانند و کنار گذاشتن موارد تکراری است.

5. **استفاده از نظام مقوله بندی:** لازم است پژوهشگر با استفاده از دو **روش استقرایی و قیاسی** به توسعه نظام مقوله بندی خود پردازد؛ چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است.

✓ بر اساس نظر کریپندورف، مقولات یا طبقات باید جامع و فراگیر باشند؛ به این معنا که هیچ داد های نباید به دلیل آنکه در یک طبقه خاص جای نمی گیرد، حذف شود و نیز هیچ داده ای نباید بین دو طبقه یا در بیش از یک طبقه قرار گیرد.

✓ مقولات یا طبقات می توانند شامل مجموعه ای زیر مقوله یا زیر طبقه با سطوح متفاوت به صورت انتزاعی باشند.

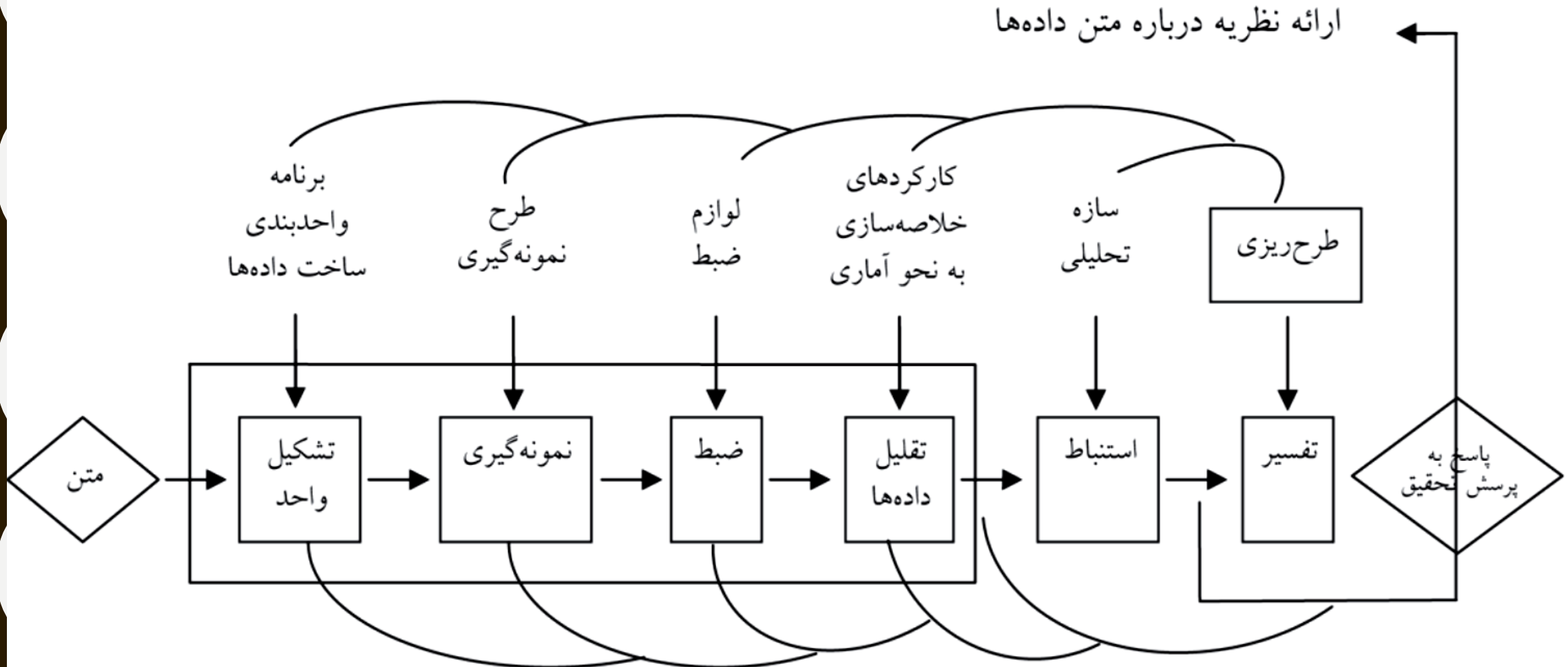
# مراحل تحلیل محتوای کیفی

۶. اصلاح نظام مقوله بندی بر اساس داده ها: پس از تعیین مقولات بر اساس داده های تحقیق، پژوهشگر باید نظام مقوله بندی را اصلاح و در صورت نیاز، برخی مقولات را حذف و تعدادی دیگر را اضافه کند.

۷. ارائه گزارش از داده های کیفی: در مرحله پایانی، با توجه به داده های موجود، باید گزارشی تهیه و ارائه شود. در این زمینه لازم است محتوای مقولات توصیف شوند.



# اجزای تحلیل محتوای کیفی



# اجزای تحلیل محتوای کیفی

- تحلیل محتوای کیفی در نهایت می تواند منجر به تدوین یا تکمیل نظریه شود، در حالی که این امر در خصوص تحلیل محتوای کمی صدق نمی کند.
- همچنین پژوهشگران کیفی با ارائه تفاسیر خود به ارائه مطالبی تحلیلی درباره متون می پردازند.
- تفاسیر در تحلیل محتوای کیفی بخشی از مراحل تحقیق است، در حالی که در تحلیل محتوای کمی، تفاسیر اغلب در روند تحلیل بیان می شوند.

# اجزای تحلیل محتوای کیفی

✓ همچنین بر اساس نظر برلسون، تحلیل محتوای کمی، فنی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام است.

✓ در حالی که در تحلیل محتوای کیفی، محتوای پنهان پیام مورد توجه است و به این دلیل نگاه عمیق تری به کلمات و عبارات داده های کیفی وجود دارد.

✓ در تحلیل محتوای پنهان، ادراکات و تفاسیر پژوهشگر از یک معنای ارتباطی کدگذاری میشود، درحالیکه در تحلیل محتوای آشکار پیام، کدگذاری روی محتوای قابل مشاهده و سطحی صورت می گیرد.

✓ در تحلیل محتوای کیفی، پژوهشگر باید حضور معنای پنهان را تفسیر کند و این امر تا حدی برای کدگذار دشوار است، زیرا برای این کار نیاز به آشنایی با متن دارد و در صورتی که فرد با اصطلاحات خاص آشنایی نداشته باشد، ممکن است معانی ضمنی را از دست بدهد.

# مقایسه تحلیل محتوای کمی و کیفی

۱. روش کار و منطق تحقیق در هر دو تحلیل با هم متفاوت اند.
  - برای مثال تحلیل محتوای کمی به گونه گسترده در رسانه های جمعی به منزله شیوه هایی که عناصر مربوط به متن را آشکار می سازد کاربرد دارد؛
  - درحالیکه تحلیل محتوای کیفی بیشتر با کشف معانی بنیادین در پیام سروکار دارد؛
۲. تحلیل محتوای کمی قیاسی است؛ یعنی میکوشد فرضیه ها یا پرسشهای تولید شده از نظریه ها یا پژوهشهای پیشین را بیازماید؛
- درحالیکه تحلیل محتوای کیفی استقرایی است؛ یعنی مبتنی بر بررسی و استنتاج موضوعها و تمها از داده های خام است که گاه به طرح نظریه می انجامد؛

# مقایسه تحلیل محتوای کمی و کیفی

- ۳. در تحلیل محتوای کمی برای نمونه گیری به داده هایی نیاز است که با استفاده از قواعد نمونه گیری تصادفی، که اعتبار استنتاج های آماری را تضمین می کنند، انتخاب میشوند؛
- درحالیکه نمونه در تحلیل محتوای کیفی معمولاً دربردارنده انتخاب هدفمند مواردی است که بازتاباننده پرسشهای پژوهش اند.

# محتوای آشکار و محتوای پنهان

- یکی از مسایل بحث انگیز در حوزه ی تحلیل محتوا مربوط به این امر است که آیا تحلیل محتوا تنها به قواعد آشکار و مشخص درون متن می پردازد و یا این که به محتوای پنهان و ضمنی در متن نیز توجه دارد.
- مدافعان تحلیل محتوای آشکار استدلال می کنند که پرداختن به محتوای پنهان عینیت تحقیق را دچار خدشه و خلل می کند و ذهنیت محقق را در استنباط محتوای پنهان باز می گذارد.
- از سوی حامیان پرداختن به محتوای پنهان در تحلیل محتوا معتقدند که محدود کردن تحلیل محتوا به محتوای آشکار، این تکنیک را سطحی و فاقد یافته های علمی قابل توجه می سازد.

# محتوای آشکار و محتوای پنهان

• کیفی گرایان دو نکته اساسی را بر کمی گرایان در تحلیل محتوا وارد می دانند:

۱- کمی بودن تحلیل محتوا باعث سطحی شدن تحلیل و غفلت از داده های معدود ولی با ارزش زیاد می شود.

✓ گاهی اوقات حضور حتی یک نماد می تواند ارزش حیاتی داشته باشد.

✓ این افراد معتقدند آنچه باعث کارآمدی تحلیل محتوا در جریان جنگ جهانی دوم گردید، استفاده از تحلیل محتوای کیفی و دقت در نمادهای اندک ولی معنی دار بوده است.

۲- پرداختن به محتوای آشکار و غفلت از محتوای پنهان متون، که باعث می شود بخش مهمی از متن مغفول بماند

# محتوای آشکار و محتوای پنهان

- رایف در پاسخ به این مدعا و در مقام حمایت از تحلیل محتوای کمی و محتوای آشکار، مزایای زیر را برای این نوع تحلیل بر می‌شمارد:

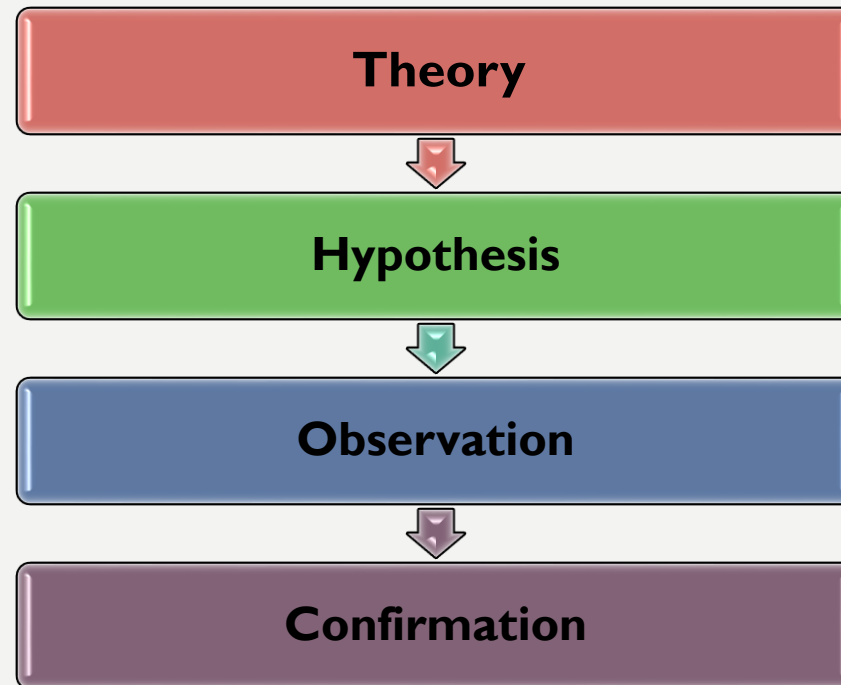
1. تحلیل محتوای کمی، ناخودآگاه و غیر کنش پذیر است.
2. از آرشیو این مطالعات می‌توان تحقیقات طولی انجام داد.
3. تقلیل محتوای فراوان به داده‌های قابل کنترل، به توسط تحلیل محتوای کمی و آشکار تحقق می‌یابد.
4. این نوع تحلیل محتوا، در رشته‌های مختلف کاربرد فراوانی دارد.

- هولستی در مقام جمع بین تحلیل محتوای آشکار و پنهان معتقد است که در سطح ثبت و گردآوری داده‌ها بایستی حتماً به محتوای آشکار توجه کنیم تا عینیت تحقیق حفظ شود. وی می‌گوید، اگر توجه خود را به عملیات رمزگذاری محدود کنیم، روش تحلیل محتوا به ویژگی‌های آشکار متن محدود می‌شود.

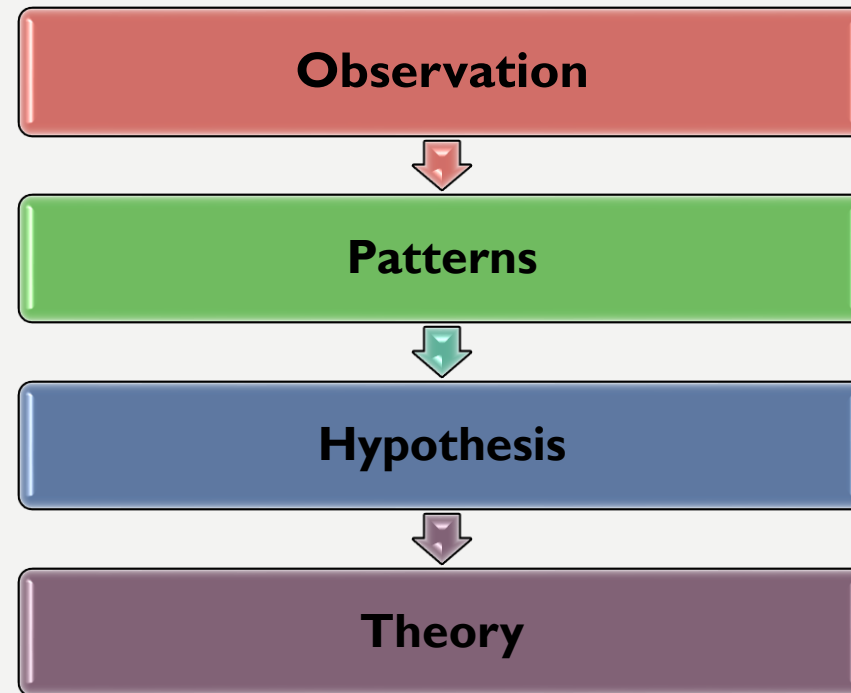


## Deductive (قیاس) thinking (Quantitative)

یعنی از یک قانون یا اصل کلی به یک پیش گویی خاص رسیدن



**Inductive (استقرائی) thinking (Qualitative)**  
**یعنی تعمیم نتایج به دست آمده از مشاهدات خاص**



# رویکردهای تحلیل محتوای کیفی

□ تحلیل محتوا کیفی به سه دسته تقسیم می شود:

۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی (Conventional Content Analysis)

۲. محتوای جهت دار (Directed Content Analysis)

۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی (Summative Content Analysis)

# تحلیل محتوای کیفی / عرفی و قراردادی

- تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می رود که هدف آن شرح یک پدیده است.
- این نوع طرح اغلب هنگامی مناسب است که نظریه های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد.
- در این حالت پژوهشگران از به کار گرفتن مقوله های پیش پنداشته می پرهیزند و در عوض ترتیبی می دهند که مقوله ها از داده ها ناشی شوند.
- در این حالت محققان خودشان را بر امواج داده ها شناور می کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود.
- بنابراین از طریق استقراء، مقوله ها از داده ها ظهور می یابند.

## تحلیل محتوای کیفی / عرفی و قراردادی

- امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی بر اساس رویکرد عرفی، به دست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه، بدون تحمیل کردن مقوله یا نظریه های از پیش تعیین شده است.

- البته به این روش انتقادهایی نیز وارد است؛

- ✓ از جمله ضعف در ایجاد فهم جامع از محتوای متن، که در نتیجه موجب نقصان شناسایی مقوله های اصلی می شود و ممکن است بیان واقعی از داده ها ارائه نشود.

## تحلیل محتوای کیفی / جهت دار

- گاه نظریه یا تحقیقاتی قبلی دربارهٔ یک پدیده مطرح اند که یا کامل نیستند یا به توصیف های بیشتری نیازمندند. در این حالت محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت دار را برمیگزیند.
- این روش را معمولاً بر اساس روش قیاسی متکی بر نظریه، طبقه بندی می کنند که تمایزات آن با دیگر روشها بر اساس نقش نظریه در آنهاست.

# تحلیل محتوای کیفی / جهت دار

- هدف تحلیل محتوای جهت دار، معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است.
- نظریه از پیش موجود می تواند به تمرکز بر پرسش های تحقیق کمک کند. این امر پیش بینی هایی را درباره متغیرهای مورد نظر یا درباره ارتباط بین متغیرها فراهم می کند.
- این موضوع می تواند به تعیین طرح رمز گذاری اولیه و ارتباط بین رمزها کمک کند، که نشان دهنده مقوله بندی به شیوه قیاسی است.
- تحلیل محتوا با رویکرد جهت دار نسبت به دیگر روشهای تحلیل محتوا از فرایند ساختارمندتری برخوردار است.

# تحلیل محتوای کیفی / تلخیصی یا تجمعی

- مطالعه ای که از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی استفاده می کند با شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن، با هدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آنها در متن آغاز می شود.
- این کمیت سازی نه تنها تلاشی برای فهم معنای کلمات است، بلکه بیشتر از آن برای کشف کاربرد این کلمات در متن است. تحلیل کردن برای نمود یک کلمه یا مضمون ویژه در متن، نشانی از تحلیل محتوای واضح و مشخص است.
- اگر تحلیل در همین حد باز ایستد، تحلیلی کمی به شمار می آید که تمرکز آن روی شمار فراوانی مضمون یا واژگان ویژه است.



# تحلیل محتوای کیفی / تلخیصی یا تجمعی

- تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی میتواند به آن سوی شمارش که همان تحلیل محتوای پنهان و نهفته موجود در کلمات است، نیز برود. تحلیل محتوای پنهان به فرایند تفسیر محتوا مربوط می شود.
- در این نوع تحلیل، تمرکز روی کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است و پژوهشگران از این نوع تحلیل محتوا در مطالعات تحلیلی انواع مقالات موجود در مجلات علمی و همچنین کتابهای مرجع استفاده می کنند.



سلامت و پیروز باشید